ضمیمه ۲
جمع آوری اطلاعات به منظور مشورت دادن

مقدمه: قبل از اینکه یك مسیحی بتواند به دیگران مشورت دهد، نخست باید یاد بگیرد که مشاهده کند، گوش فرا دهد و سؤالاتی بپرسد. چنین فردی پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم بهتر می‌تواند به دیگران مشورت دهد در اتخاذ تصمیمات درست به آنها کمك کند.
کتاب امثال در مورد مشاهده کردن، گوش دادن و سؤال کردن حاوی حقایق حکیمانه زیر می‌باشد.

۱- <u>یاد بگیرید مردم را مشاهده کنید.</u>

کشف و گفتگو کنید: چگونه شواهد عینی می‌تواند در جمع‌آوری اطلاعات و مشورت‌دهی به دیگران، به شما کمك کند؟

الف) <u>شیوه زندگی و رفتار مردم را مشاهده کنید.</u>
بخوانید: امثال ۲٤: ۳۰- ۳٤ می‌فرماید: "از مزرعه مرد کاهل، و از تاکستان شخص ناقص‌العقل گذشتم. و اینك بر تمامی آن خارها می‌رویید، و خس تمامی روی آن را می‌پوشانید، و دیوار سنگی‌اش خراب شده بود. پس من نگریسته متفکر شدم، ملاحظه کردم و ادب آموختم. اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر هم نهادن دستها به جهت خواب. پس فقر تو مثل راهزن بر تو خواهد آمد و نیازمندی تو مانند مرد مسلح." برای آنکه بتوانید از آنچه می‌بینید درس بیاموزید، باید نخست یاد بگیرید که چگونه باید به مشاهده شیوه زندگی دیگران پرداخت. به عنوان مثال، با مشاهده زندگی یك شخص تنبل می‌توان به دلیل فقر وی پی برد.

ب) <u>شرایط زندگی مردم را مشاهده کنید.</u>
بخوانید: امثال ۲۷: ۲۳ می‌فرماید: "به حالت گله خود نیکو توجه نما، و دل خود را به رمه خود مشغول ساز." شما باید همواره شرایط جسمانی، عاطفی، اجتماعی و روحانی مسیحیانی را که تحت توجه و مراقبت شما قرار دارند مشاهده کنید. باید از خود بپرسید: "فلان بیماری لاعلاج چگونه بر زندگی این فرد مسیحی و خانواده‌اش تأثیر گذاشته است؟" "چرا این شخص از لحاظ عاطفی ضربه خورده است؟" "چرا مردم نمی‌توانند به راحتی با او ارتباط برقرار کنند؟" "چرا او در جلسات کلیسایی شرکت نمی‌کند؟" بنابراین با مشاهده زندگی مسیحیانی که تحت حمایت و توجه شما می‌باشند، بهتر می‌توانید به آنها مشورت دهید و کمك‌شان کنید.

پ) <u>ارتباطات غیرکلامی مردم را مشاهده کنید.</u>
بخوانید: مرقس ۳: ٤- ٥. منظور از ارتباط غیرکلامی، ایجاد ارتباط از طریق احساسات و طرز برخوردها است، بدون آنکه سخنی بر زبان آورده شود. در این نوع ارتباط، حالات صورت، دستها، شانه‌ها و دیگر قسمتهای بدن شخص، و نیز حالت‌های فرد در شرایط مختلف، نظیر حالت راه رفتن، نشستن، کار کردن و غیره، بیانگر احساسات درونی اوست. گاهی مردم نسبت به سؤالی که از آنها پرسیده می‌شود از طریق حالات مختلف چهره واکنش نشان می‌دهند. صورت شخص می‌تواند نشاندهنده خشم، تنفر، مقاومت، ترس، ناامیدی، شك، نگرانی، عدم امنیت، افسردگی، فشار عصبی، عدم توافق، تعجب، شادی و غیره باشد. حتی حرکات بدنی یا آهنگ صدای یك شخص نیز می‌تواند بیانگر چنین احساساتی باشد. چنین افرادی به زمین خیره می‌شوند یا چشمان‌شان مدام به این سو و آن سو نگران است. شانه‌های آنها ممکن است بیانگر بی‌تفاوتی یا ندانمکاری باشد. دستهای آنها می‌تواند بیانگر حالت عصبی یا فشار روحی باشد که در آن بسر می‌برند. گاهی حتی بوی عرق ناشی از ترس و فشار عصبی چنین افرادی را می‌توان استشمام کرد. رفتار آنها ممکن است نشاندهنده بی‌توجهی، عصبی بودن و غیره باشد. کارهایی که فرد انجام می‌دهد یا از شرکت در آنها طفره می‌رود، همگی می‌تواند بیانگر پذیرفته شدن، طرد شدن، شادی، عدم تمایل و دیگر حالات روحی او باشد.
۱) <u>هدف از مشاهده ارتباط غیرکلامی.</u> به یاد داشته باشید که هرگز نباید از روی ارتباط غیرکلامی در مورد دیگران قضاوت کنید. نتیجه‌گیری شما در مورد ارتباط غیرکلامی که از او دیده‌اید ممکن است به هیچ وجه درست نباشد. بنابراین باید از آنچه بر اساس مشاهدات‌تان در مورد طرف مقابل نتیجه می‌گیرید، بکوشید سؤالات مناسبی را مطرح کنید و در مورد وجود برخی احساسات یا رفتارهای خاص در او، اطمینان حاصل نمایید.
۲) <u>هدف از ارتباط غیرکلامی.</u> باید در استفاده از ارتباط غیرکلامی خیلی مواظب بود. مواظب باشید ارتباط غیرکلامی که با دیگران ایجاد می‌کنید از روی غرور و تعصب نباشد و باعث خوار شدن آنها نشود. ارتباط غیرکلامی شما هیچوقت نباید به سردرگمی مخاطبین‌تان بیانجامد، بلکه باید در جهت کمك و خدمت به او باشد.

۲- <u>یاد بگیرید به دیگران گوش دهید.</u>

کشف و گفتگو کنید: چگونه آنچه که می‌شنوید، در گردآوری حقایق و دادن مشورت به شما کمك می‌کند؟

الف) <u>گوش دهید تا موضوع را خوب درك کنید.</u>
بخوانید: امثال ۱۳: ۱۵؛ ۲۷: ۲۵. این قسمت می‌فرماید: "عقل نیکو، نعمت می‌بخشد." هر چه بیشتر گوش دهید، بیشتر موضوع را درك خواهید کرد. هر چه بیشتر به مخاطب خود گوش دهید، بهتر به او خواهید فهماند که سخنان او برای شما مهم است و آماده‌اید او را درك کنید و بپذیرید.
بین گوش دادن به حرفهای طرف مقابل از یکسو و از سوی دیگر درك کردن آنچه او می‌گوید و نیز پی بردن به مشکلاتی که از خلال سخنانش آشکار می‌شود، فرق هست. ممکن است مخاطب‌تان سعی کند مشکل اصلی خود را از روی ترس یا به خاطر انگیزه‌ای پنهان، در لابلای سخنان خود مخفی سازد. هدف شما باید این باشد که سخنان مخاطب‌تان را خوب درك کنید و بکوشید او را در مشکلاتش یاری دهید.

ب) <u>قبل از سخن گفتن، گوش دهید.</u>
بخوانید: امثال ۱۸: ۱۳، ۱۵. این قسمت می‌فرماید: "هر که سخنی را قبل از شنیدنش جواب دهد برای وی حماقت و عار می‌باشد. دل مرد فهیم معرفت را تحصیل می‌کند، و گوش حکیمان معرفت را می‌طلبد". شما نباید به کسی مشورت دهید مگر آنکه اول خوب به سخنان وی گوش داده باشید. اول به سخنان او گوش دهید، موضوع را خوب ارزیابی کنید و بداخل زندگیش نگاهی بیاندازید، بعد به او مشورت دهید. قبل از اینکه سخنی بگویید باید گوش دهید.

پ) <u>به طرفین منازعه گوش دهید.</u>
بخوانید: امثال ۱۸: ۱۷. این قسمت می‌فرماید: "هر که در دعوی خود اول آید صادق می‌نماید، اما حریفش می‌آید و او را می‌آزماید." وقتی بین دو نفر منازعه‌ای صورت می‌گیرد، کار حکیمانه‌ای نیست که صرفاً سخنان یکی از طرفین را بشنویم. ممکن است این شخص دروغ بگوید، یا اغراق کند و منصفانه در مورد طرف مقابل قضاوت نکند. وقتی شما به سخنان طرف مقابل نیز گوش می‌دهید، می‌توانید اطلاعات بیشتری گرد آورید و بدین ترتیب بهتر به هر دو طرف مشورت دهید. بنابراین قبل از دادن هر گونه مشورتی باید به سخنان هر دو طرف منازعه گوش داد.

ت) <u>به سخنان دیگران گوش دهید، ولی هرگز هرآنچه را که می‌شنوید باور نکنید.</u>
بخوانید: امثال ۱۴: ۱۵. این قسمت می‌فرماید: "مرد جاهل هر سخنی را باور می‌کند، اما مرد زیرك در رفتار خود تأمل می‌نماید".
۱) اگر منازعه‌ای صورت گیرد، مردم معمولاً در مورد آن به سخن‌چینی می‌پردازند. کار احمقانه‌ای است اگر شخص فکر کند حقیقت همان چیزی است که می‌بیند یا می‌شنود. شما هرگز نباید به سخن‌چینیهای مردم گوش دهید، بلکه باید با طرفین منازعه به گفتگو بپردازید و در مورد ماهیت مشکل آگاهی کسب کنید.
۲) همچنین کار احمقانه‌ای است اگر فقط بر اساس برخی واقعیات، درمورد انگیزه‌های کسی نظر دهید. شما باید نخست خوب به سخنان طرفین دعوی گوش دهید، شرایط را از نزدیك مشاهده کنید و به اندازه کافی از هر دو طرف سؤالاتی بپرسید، تا بتوانید قبل از دادن مشورت، به اندازه کافی درمورد اتفاقی که افتاده آگاهی داشته باشید.

۳- <u>یاد بگیرید سؤال کنید.</u>

مقدمه: گاهی اوقات برای مردم دشوار است که درمورد افکار، انگیزه‌ها و تجارب تلخشان گفتگو کنند. بنابراین یك مسیحی باید بتواند سؤالات درستی از مخاطبش بپرسد و کاری کند که او آنچه را که در قلبش می‌گذرد برای او بازگو نماید.
کشف و گفتگو کنید: سؤالاتی که می‌پرسید چگونه می‌توانند به شما در جمع‌آوری اطلاعات لازم و مشورت‌دهی کمك کنند؟

الف) <u>برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر، سؤالاتی را مطرح کنید.</u>
بخوانید: امثال ۲۵: ۲. این قسمت می‌فرماید: "تفحص نمودن امر، جلال پادشاهان است." شما باید دائماً سؤالاتی مطرح کنید تا بتوانید از این طریق اطلاعات لازم را کسب کرده، مشورت درستی به افراد بدهید.

ب) <u>سؤالات متقابل مطرح کنید تا بدینوسیله صداقت یا عدم صداقت طرف مقابل آشکار گردد.</u>
بخوانید: متی ۲۱: ۲۴. عیسی می‌فرماید: "من از شما سخنی می‌پرسم. اگر آن را به من بگویید، من هم به شما می‌گویم...". گاهی بهترین روش پاسخگویی این است که سؤال مخاطب‌تان را با سؤالی جواب دهید که درست در مقابل پرسش اوست. عیسی بدین طریق به سؤال فریسیان پاسخ می‌داد، زیرا می‌دانست که قصد آنها غافلگیر کردن اوست. او از انگیزه‌های آنها به خوبی

آگاه بود و برای اجتناب از افتادن در دام آنها، کاری می‌کرد که خود در دامی که گذاشته‌اند بیفتند. عیسی آنها را وامی‌داشت پاسخی بدهند که بخوبی عدم صداقتشان را آشکار می‌کرد. شما نیز باید یاد بگیرید سؤالات متقابل از مردم بپرسید.

پ) سؤالاتی مطرح کنید که دیگران را به فکر وادارد.
بخوانید: لوقا ۱۰: ۲۶- ۲۸. این قسمت می‌فرماید: "در تورات چه نوشته شده است و چگونه می‌خوانی؟" همیشه این وسوسه وجود دارد که بجای اینکه به طرف مقابل کمك کنید تا خودش چاره‌اندیشی کند، شما برای مشکل او پاسخی بیابید. عیسی افراد را ترغیب می‌کرد تا خودشان حقیقت یا پاسخ سؤالشان را در کتاب‌مقدس بیابند. او آنها را ترغیب می‌کرد که فکرشان را بکار بیاندازند و پاسخ سؤالات خود را در کتاب‌مقدس بیابند. کلام خدا همیشه از مشورت شخصی شما بسیار متقاعدکننده‌تر است.
بنابراین شما باید یاد بگیرید سؤالاتی را مطرح کنید و به مردم کمك کنید تا حقیقت و پاسخ سؤالات خود را در کتاب‌مقدس بیابند. وقتی انسان شخصاً حقیقتی را کشف کند، بهتر آن را درك می‌کند و به خاطر می‌سپارد.

٤- یاد بگیرید از طریق مطالعه و بررسی کتاب‌مقدس حکمت بیاموزید.

بخوانید: کتاب‌مقدس در رابطه با قادر مطلق بودن خدا و مکاشفه اراده او چه تعلیمی می‌دهد؟
یك مسیحی ایمان دارد که خدا قادر مطلق است و برای جهانی که آفریده، و وقایع موجود در آن، نقشه و برنامه دارد. البته خدا تمام نقشه خود را در رابطه با جهان و تاریخ بشر، برای انسانها مکشوف نساخته است. اشعیا ۵۵: ۹ می‌فرماید: "زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق‌های من از طریق‌های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می‌باشد." خدا بسیاری از مسائل را برای ما آشکار نکرده و نخواهد کرد. خدا وقایع مربوط به زندگی آینده‌مان را برای ما مکشوف نمی‌سازد. ما نباید از امور ناشناخته ترسان باشیم، زیرا به جهت آنانی که خدا را دوست دارند، همه امور برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند (رومیان ۸: ۲۸). خدا، خدایی است بامحبت و قادر مطلق.
خدا تمام آن اموری را که انسانها باید بدانند و آنها را بر روی زمین انجام دهند، از طریق انبیای عهد عتیق، عیسی مسیح و رسولان عهد جدید آشکار ساخته است. تثنیه ۲۹: ۲۹ می‌فرماید: "چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ماست تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم." نقشه مکشوف شده خدا عبارت است از برخی تعالیم خاص، و نیز تعالیمی عام و همگانی.